بررسی مدلول روایت «أتخوف أن يكون يوم عرفة يوم أضحى وليس بيوم صوم»

(00:07)

دیروز آقا حدیثی را خواندند. خدمتشان عرض کردم که من نگاه می‌کنم. این حدیث در وسائل، باب بیست و سوم ابواب الصوم المندوب، حدیث ششم است. در موثقه اینطور دارد:

> **عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن صوم يوم عرفة، فقلت: جعلت فداك إنهم يزعمون أنه يعدل صوم سنة، فقال: كان أبي لا يصومه، قلت: ولم ذاك جعلت فداك؟ قال: إن يوم عرفة يوم دعاء ومسألة، وأتخوف أن يضعفني عن الدعاء، وأكره أن أصومه، وأتخوف أن يكون يوم عرفة يوم أضحى وليس بيوم صوم. ورواه الصدوق باسناده عن حنان ابن سدير. ورواه في (العلل) عن أبيه، عن سعد، عن محمد بن الحسين، عمن ذكره عن حنان، ورواه المفيد في (المقنعة) مرسلا نحوه.[1]**

در چاپ اسلامیه بعد از «اکره ان اصومه» یک ویرگول گذاشته‌اند. اگر واو حالیه ای که من خواندم باشد، اینجا ویرگول نمی‌خواهد. نمی‌دانم در چاپ آل البیت هم در اینجا ویرگول هست یا نیست. «واکره ان اصومه و اتخوف». ظاهراً ویرگول اینجا نباشد حداقل هر دو وجه را می‌توان خواند.

شاگرد: اگر ویرگول نباشد به چه صورت می‌خوانیم؟

استاد: یعنی وجه کراهت می‌شود. واو حالیه باشد.

شاگرد: وجه دیگر نمی تواند باشد؟ یک وجه «ان یضعفنی»، و وجه دیگر «اتخوف ان یکون یوم عرفه یوم اضحی» است.

استاد: بله، ویرگول بعد از «اصومه» را عرض می‌کنم. نه ویرگول بعد از دعا. بعد از دعا که خوب است.

شاگرد۲: ایشان «اکره ان اصومه» را عطف به ماقبل می‌فرمایند.

استاد: شما نسخه آل البیت را دارید؟ چون در نرم افزارها نسخه آل البیت دارد، بعد از «اصومه» ویرگول گذاشته ای نه؟

شاگرد۲: نه.

استاد: پس خوب است. این چاپ آل البیت از وسائل است بیست جلدی

شاگرد: من می‌گویم بعد از «اصومه» جدا می‌شود؛ اتخوف و اتخوف. عطف به هم شده‌اند.

استاد: چرا «و اکره» عطف به «یوم الدعا» نباشد؟ « وأتخوف أن يضعفني عن الدعاء».

شاگرد: «و اکره ان اصومه».

استاد: چرا؟ می‌تواند اینجا ابتدای کلام باشد. یکی اینکه «إن يوم عرفة يوم دعاء ومسألة، وأتخوف أن يضعفني عن الدعاء»، بعد هم «وأكره أن أصومه، وأتخوف أن يكون يوم عرفة يوم أضحى». لذا من گفتم ویرگول را بردارید تا هر کسی هر کدام را خواند، عبارت تاب هر کدام را داشته باشد. و الّا وقتی ویرگول هست، عبارت مستقل می‌شود. منظورم این بود که برداشتنش برای خواندن عبارت به‌نحوی‌که واو حالیه هم بتواند باشد. شما واو را واو حالیه نمی‌گیرید. واو استیناف می‌گیرید.

شاگرد۲: نسخه خطی ای که از آل البیت هست ویرگول را هم گذاشته است.

شاگرد: البته ویرگول که بعداً گذاشته شده.

استاد: بله، می‌دانم. جامع المسائل حاج آقا که فتوا بود، در تیمم موردی رسید که با یک ویرگول فتوای حاج آقا عوض شده بود. یعنی کاملاً ضد و هشتاد درجه یک ویرگول فتوا را عوض کرده بود. فن ویرگول گذاری، فن مهمی است. چیز کمی نیست.

شاگرد۳: فرمایش آقا این است که ما باید ویرگول را بگذاریم یا برداریم.

استاد: بله. عبارتی که در وسائل قدیم هست و امام علیه‌السلام فرموده‌اند و ما در آن جا حاضر نبودیم، ویرگول نیست. خب اگر ما ویرگول بگذاریم داریم یک چیزی را به ذهن قاری ومخاطب تحمیل می‌کنیم که آن فهم ما است. بگذاریم یا نگذاریم؟.

خب این روایت شریفه چیست؟ حضرت فرمودند من نمی‌خواهم این روز را روزه بگیرم، درحالی‌که می‌ترسم. یا به فرمایش آقایان «اکره ان اصومه» به‌خاطر ضعف، و همچنین می‌ترسم «ان یکون یوم عرفه یوم اضحی و لیس بیوم صوم»؛ و حال آنکه روز صوم نیست. بنابراین شاهدی علیه عرض دیروز من می‌شود. من گفتم اصل خود روز عید به‌عنوان اول شوال، ثبوتی است. در اینکه حرمت صومش بیاید، موضوع، ما هو الاثبات ِروز اول شوال نباشد، بلکه ضمیمه‌ای داشته باشد.

شاگرد: چطور؟

استاد: چون حضرت برای عید اضحی می‌گویند «اتخوف». می‌ترسم آن باشد. اگر ثبوت و حجت اثباتی، جزء الموضوع بود که حضرت نمی فرمودند «اتخوف».

شاگرد۲: یعنی اگر صرف واقعیت بود که دیگر کراهت نبود و حرمت بود.

استاد: بله.

البته مطالبی که دیروز عرض کردم، معلوم است که آن احتمال را در مقابل فرمایش بزرگی مثل علامه بحر العلوم گفتم. ایشان فرمودند دوران بین محذوری می‌شود. ما سید را می‌شناسیم. خاک نعلین ایشان هم نمی‌شویم. اما خود علماء اجازه داده‌اند که در مباحثه حرف بزنیم و احتمالات را بررسی کنیم. به ما نگفته اند چون سید بحر العلوم فرموده بحث نکنید و احتمال ندهید. خودشان امر کرده‌اند. لذا وقتی سید فرموده‌اند هر دو هست، تعبیرشان این بود: «لاحتمال كونه من شوّال مع حرمة صوم يوم العيد»[2]، ایشان حرمت را ثبوتی گرفته‌اند.

من در این ارتکاز مشکلی ندارم. دیروز آقا وجدان گفتند، وجدان بیشتر در اصول کاربرد دارد. اصولیین بیشتر آن را به کار می‌برند. فقها هم بیشتر ارتکاز را به کار می‌برند. کم یادم می‌آید که در فقه وجدان تعبیر کنند. در فقه بیشتر ارتکاز می‌گویند. علی ای حال من موافق ارتکاز هستم. یادم می‌آید سال‌ها به‌خاطر همین ارتکاز به جاده قدیم کاشان می‌رفتیم؛ چون در سی ام منافشه می‌شد، به‌خاطر احتیاط به آن جا برود و دلش جمع شود. مسافرتی انجام بدهد که در دوران بین محذورین گیر نیافتد.

شاگرد: طبق بیان حضرت عالی هم می‌توان بین فرمایش دیروز و هم امروز جمع کرد. با توجه به فرمایش حضرتعالی که مالکات را فازی می‌گیرید؛ مالک فساد در اینجا فازی باشد. یعنی مالک حداکثری که منجر به حرمت می‌شود، همان علم هم در موضوع اخذ می‌شود، ولی یک فسادی هم هست که منجر به حرمت نمی‌شود. امام از فساد حداقلی خوف و حذر می کنند.

استاد: باز تأیید فرمایش ایشان می‌شود. حال عرض می‌کنم.

ببینید در اینجا ارتکاز مقبول است. ولی نکته‌ای که هست، این است که هیچ وقت در فضای فقه از اصل ارتکاز و بدنه ارتکاز دست برنمی‌داریم. اگر هم دست برداریم اشتباه کرده‌ایم. اما در فضای مباحثه فقه، یک نکته بسیار مهمی در ارتکاز هست. اینکه ارتکاز چون لسان ندارد قابل تحلیل است. ارتکاز لسان ندارد بنابراین در فضای فقه، همه ادله را در نظر می‌گیریم، با ملاحظه پنجاه تا، سی تا، صدتا روایت و لسان همه ادله، ارتکاز را تحلیل می‌کنیم که این ارتکاز چه می‌گوید. حتماً ارتکاز باری دارد از کاشفیت از نظر شارع. اما نظر شارع شئونات دارد، لایه‌ها دارد، مراتب دارد. وقتی تحلیل درست کنیم و اذهان متشرعه هم این تحلیل ما را تأیید کند، اینجا است که ارتکاز جایگاه خودش را در استظهار از ادله پیدا می‌کند. در مانحن فیه هم همینطور است.

خب روایتی که دیروز خواندند، ظاهرش موافق همین ارتکاز است که سید فرموده‌اند. من هم عرض کردم سال‌ها ذهن من هم درگیر همین ارتکاز بوده. این را هم که گفتم برای یک ذهن با سابقه طولانی است. اما احتمالی که الآن عرض می‌کنم، ظاهر این روایت خلافش است. چرا؟ چون حضرت فرمودند «اكره ان اصوم يوم عرفه و اتخوف». اگر واو حالیه هم نباشد به مانحن فیه مربوط می‌شود. دلالتش در مانحن فیه خوب است. «و اتخوف ان يكون يوم عرفه يوم اضحى و ليس بيوم صوم»، بنابراین یوم اضحی و روز صوم نبودنش، ثبوتی است، ربطی به این ندارد که ثابت بشود یا نشود. جهت اثباتی در موضوعش دخالت ندارد. این ظاهر حدیث است که به همین نظر بدوی و در ابتدا، موافق آن ارتکاز هست و دلالتش هم خوب است.

فقط این می‌ماند که اگر ما سائر ادله را دیدیم، آن وقت به چه صورت می‌شود. همانطور که آقا دیروز فرمودند، ما مراتب طولی انشاء را شروع کنیم؛ از حکم ثبوتی حرمت برای یوم عید. به ضمیمه فرمایش خودشان، نقطه انطلاق همان باشد، یا به ضمیمه فرمایش شما که نقطه انطلاق آن مراحل طولی انشاء ثبوتی، حرمت منجزه مسلمه نباشد. از یک مرحله‌ای شروع شود و بعداً به مرحله‌ای می‌آید که قویتر می‌شود. حرفی در اینها نیست.

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية نویسنده : الشيخ حرّ العاملي جلد : ۷ صفحه : ۳۴۴

[2] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۶

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 12:34:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 12:36:18 توسط ... .